

مروری بر ترانه‌های بهاری

احمدرضا احمدی



در قالب ترانه بند و اندرز بدهد اما قالب ترانه با ظرافت و شکنندگی تاب تحمل بند و اندرز را ندارد پس ترانه بیشتر به «معر» شباهت پیدا می‌کند تا ترانه، بخوانیم:

ای نوع بشر، تا کی به انبیا بشر سودی ندھی، ای نخل بی بار و ثمر مگر ز فردا خیر نداری که جز به سر شور و شنداری چسبیده جز حصر و آرزو شهوت به سر هوای دیگر نداری «ملک الشعرا بهار» هم که ترانه می‌گوید به همین روش است. «نیما یوشیج» که در کار شعر فارسی نوآوری‌های فراوان کرده است هنگامی که به قلمرو ترانه پای می‌گذارد نتیجه تأسف بار است. زبان او در ترانه الکن و گنگ است چون قلمرو ترانه قلمروی دیگر است و قوانین دیگری دارد و توان دیگری می‌خواهد. برای باز خوانی ترانه‌های «نیما» خواننده را رجوع می‌دهم به کتاب «قصه شع» اثر «نواب صفا» که به تازگی از چاپ بیرون آمده است. از دیگر شاعران معاصر که در قلمرو ترانه سازی طبع آزمایی کرده اند می‌توان از این شاعران نام برد: فریدون توللی، پرویز ناتل خانلری، سیاوش کسری، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، پدالده رویایی، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، نوذر ترانه نزدیک تر بود. این روحیه تعزلی و عاشقانه بعدها بنسبش را یافت. در ترانه‌های شیدا ملودی بسیار زیبا و درخشان است اما ترانه‌ها سست است. ترانه ساز مقداری کلمات را بدون زیبایی و معنا در قالب آهنگ ریخته است. این ترانه «شیدا» را می‌نویسم. ملودی بسیار زیبایی دارد در «آواز اصفهان» اما کلمات ترانه سست، شلخته و بی معنی است فقط برای پر کردن قالب آهنگ است:

گوئید فلانی آمده آن یار جانی آمده یا این ترانه از «عارف قزوینی»: کار عشقم چه بالا گرفته بر سر من چون جا گرفته جای عقل عشق به کجا گرفته جای عقل عشق به کجا گرفته این تکرارها فقط برای پر کردن قالب ترانه است یا این ترانه قدیمی در دستگاه «ماهور» که در سال ۱۹۰۰ میلادی توسط مسیو «لومر» فرانسوی در پاریس به چاپ رسیده است:

ای زلف سر کجست همه چین چین شکن شکت مویت برای بستن دلها رسن رسن یا این ترانه «حسین گل گلاب»

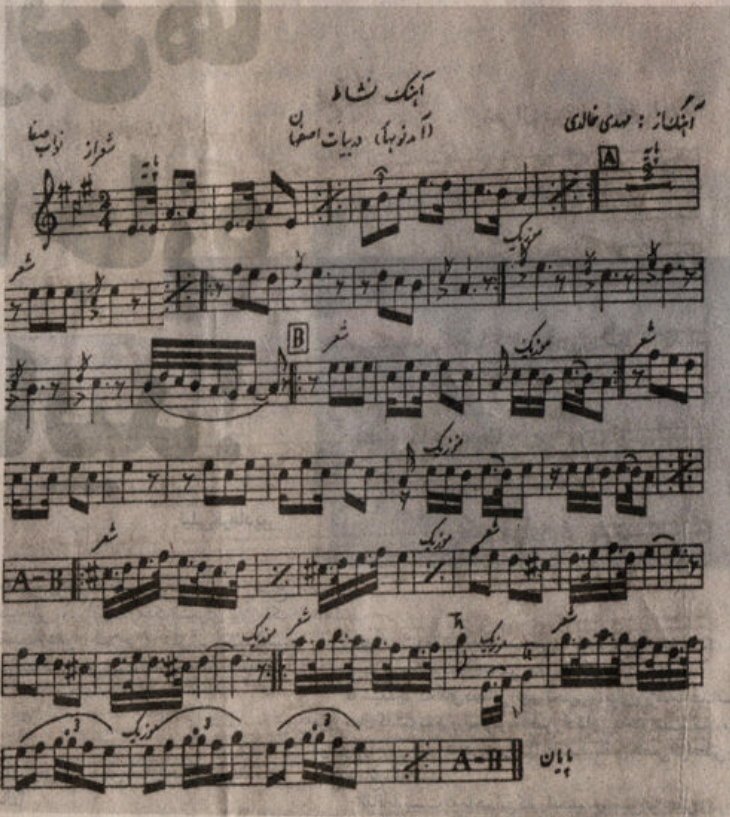
در شروع کار ترانه سازی در ایران ترانه ساز و سازنده آهنگ یک نفر بود ترانه‌های «عارف» بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی داشت «شیدا» روحیه تعزلی و عاشقانه داشت و از همین رو به ذات ترانه نزدیک تر بود. این روحیه تعزلی و عاشقانه بعدها بنسبش را یافت. در ترانه‌های شیدا ملودی بسیار زیبا و درخشان است اما ترانه‌ها سست است. ترانه ساز مقداری کلمات را بدون زیبایی و معنا در قالب آهنگ ریخته است. این ترانه «شیدا» را می‌نویسم. ملودی بسیار زیبایی دارد در «آواز اصفهان» اما کلمات ترانه سست، شلخته و بی معنی است فقط برای پر کردن قالب آهنگ است:

که در حدود سال ۱۳۰۴ درباره «تار» علیتی وزیر سروده است: دل برده ای از دستم ز آهنگ تارت مستم چون عاشق ساز هستم من دل به تارت بستم با پنجه‌های چون باز گیری تو پرده ای ساز

مضربکی بسیمی چون لرزش نسیمی کی با چو تو ندیمی دارم ز دهر بیمی «محمدعلی امیرجاهد» که از نخستین ترانه سازان است می‌خواهد

نه دل مفتون دلبدینی، نه جان مدهوش دلخواهی نه بر مژگان من اشکی، نه بر لب های من آهی آقای «ساسان سپینتا» در کتاب سرگذشت موسیقی ایران جلد سوم آهنگساز این ترانه را «روح الله خالقی» دانسته اند که اشتباه است خواننده این ترانه

«سهدی خالقی» مراجعه کرد. از سال ۱۳۳۵ که رادیو در ایران وارد مرحله ای تازه شده و توجه به آواز و ترانه سازی رونق گرفت شاهد ظهور یک ترانه ساز بزرگ هستیم. «بیژن ترقی» او در خانواده ای اهل فرهنگ رشد کرد. پدرش مدیر کتابفروشی خیم» بود. کتابفروشی خیم در آن



سال‌ها از ناشران تأثیر گذار بود. فرهنگ فارسی به فارسی نفیسی همچنان دیوان «محمدحسین شهباز» با مقدمه «علی زهری» از کارهای کتابفروشی خیم بود. ترقی با همکاری «پرویز یاحقی» ماندگارترین ترانه های موسیقی ایران را خلق کرد. در سال ۱۳۳۶ ترانه «آواز دل» با آهنگ «پرویز یاحقی» عصر تازه ای در کار ترانه ساز وطن ما بود: به زمانی که محبت شده

سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۴۵ اوج ترانه سازی در موسیقی ایران است. یکی از چهره های شاخص این دوره «معینی کرمانشاهی» است. در کار ترانه سازی «معینی کرمانشاهی» قدرت و زیبایی فراوان دیده می‌شود. «معینی» برای همه آهنگسازان رادیو ترانه ساخته است اما درخشان ترین دوره ترانه سازی او همکاری با آقای «علی تجویدی» است. آقای «تجویدی» به دلیل احاطه به موسیقی ملی ما و دانش



همچون افسانه به دیاری که نیایی خیزی از جانانه دل رسوا دگر از من تو چه خواهی دیوانه بیژن ترقی این ترانه های بیاد ماندنی و ماندگار را طی سال های جوانی خلق کرد: پیداد زمان- سراب آرزو- اشک سپهر- مکتب وفا- کلبه من مقدمه ترانه «کلبه من» را می‌نویسم: بسرایم آمد ناگه آنکه کشیده ز من دامن آنکه ریمده چو بخت از من چو بهاران آمد تا این کلبه من کند او گلشن دیده من بشود روشن از دیگر ترانه های به یادماندنی

فراوان در این قلمرو صاحب ذوق و قریحه فراوان بودند. یکی از ترانه های «معینی کرمانشاهی» در دستگاه «شور» با آهنگ «علی» و آواز دلکش را به نام «آشفته حالی» می‌نویسم: می بیند کلام «معینی» بدون آواز و موسیقی خواندن است این ترانه در حد یک غزل درجه یک است: این همه آشفته حالی ای بدوش افکنده گیسو از تو دارم- از تو دارم این غرور عشق و هستی خنده بر غوغای هستی ای سیه چشم سیه مو از تو دارم- از تو دارم تکرارهای برای پر کردن قالب آهنگ نیست تکرارها واقعی

و لازم است و به زیبایی آهنگ کمک می‌کند. نام آقای «نواب صفا» برای نسل من یادآور ترانه زیبای «آمد نوبهار» با آهنگ «سهدی خالقی» است. هر صبح عید نوروز همه ما سال نو را با این ترانه آغاز می‌کردیم:

طی شد هجر یار مطرب نی بز ساقی می بیار بازا ای ریمده بخت من این آهنگ در «نیات اصفهان» است از این آهنگ اجراهای مختلفی وجود دارد. «تورج نگهبان» ترانه سرایی را با همکاری «همایون خرم» آغاز کرد. کلام «نگهبان» هم دارای تازگی و جلال بود. این ترانه «نگهبان» را بخوانیم با آهنگ «همایون خرم» ترانه در حدود سال ۱۳۴۲ سروده شده است: کنون کز چهره گلشن شود چشم دلم روشن بیچید عطر گل تا آسمان ها می از بام جهان ریزد سرور از آسمان ریزد نسیم آرد نشان از بی نشانی ها به نظر من اوج ترانه سازی «نگهبان» در این ترانه است که نام «گمشده» دارد با آهنگ بسیار زیبای «همایون خرم»:

نیمه شبان تنها در دل این صحرا گم شده خود را می جویم رفت و نوای غم زلفین ترانه من نشنود رفت و کلام هم دل من دگر از غم او نرسود شد سپهری عمری خیر از مه رفته من نرسید بین به پیامی هم گره از دل خسته من نگشود در قلمرو ترانه در همان سال های ۳۶ تا ۴۵ او دو ترانه ساز دیگر باید نام برد. «پرویز و کیلی» و «سیروس آریسان پور» در ترانه های این دو تن ابداعات تازه در کلام و نگاه نویی می بینیم. اگر «رهی معیری» «بیژن ترقی» «معینی کرمانشاهی» «نواب صفا» «تورج نگهبان» متکی به سنت ادبیات کلاسیک ما بودند. «پرویز و کیلی» و «سیروس آریسان پور» متکی به ادبیات امروز ایران بودند. «شهباز قنبری» «ابرج جنتی عطایی» «اردلان سرفراز» از «سیروس آریسان پور» و «پرویز و کیلی» تأثیر گرفتند و در واقع راه آنها را ادامه دادند. «سیروس آریسان پور» هیچگاه کار ترانه سازی را جدی نگرفت. اما آنچه از او می ماند به نظرم ترانه زیبای بارون بارونه است نه ترجمه کتاب های اقتصادی و اجتماعی که حرفه او بود با هم بخوانیم ترانه زیبای او را که به روی یک تم کردی است. ترانه ساده شفاف، صمیمی است:

بارون بارونه زمینتر میشه گلنسا چونم کارا بهتر میشه دونای بارون بیازین آروتر بهارای نارنج میشه برپر از «پرویز و کیلی» ترانه دو کبوتر را می‌نویسم آهنگ این ترانه از «عطاالله خرم» بود. روزی من و تسو ای جان همچون کبوترها سر می نهادیم با هم در بنسرت برها برگشاده همزه مرغان خوش آواز

که به کوستان و گه به صحرا در پرواز در پایان این یادداشت باید بگویم ترانه سازی چون «رهی معیری» بیژن ترقی- معینی کرمانشاهی- تورج نگهبان- نواب صفا- سیروس آریسان پور- پرویز و کیلی ترانه را در حد یک کار هنری اعتلا دادند و گرنه در این ۸۰ سال اخیر در ایران شاید صدها نفر ترانه سرودند اما در حد پر کردن قالب آهنگ بود. دانستیم کار ترانه سازی مقوله ای جداگانه از شعر و شاعری است حتی شاعری چون «نیما یوشیج» در این قلمرو درخشش ندارد امیدوارم روزی کسی هستی کند ترانه های این ۸۰ سال ترانه سازی ما را جمع آوری کند و درباره آن تحقیقی جدی انجام دهد. سال نوی شما مبارک اسفند ۷۸